

تکنولوژی برای ایجاد تغییرات بنیادین

اشاره

تأسف آور است که برخی از ما معلمان تلاش‌های حرفه‌ای خود را به جای بهبود آموزش بنیادین فرزندانمان، برای الحاق شتاب‌زده تکنولوژی به نظام آموزشی صرف می‌کنیم تا نقابی برای پنهان کردن کاستی‌هایمان باشد. اگرچه در آموزش و جهان آینده به تکنولوژی نیازمندیم، اما علاوه بر تکنولوژی، به چیزهای دیگری هم نیاز داریم که شاید بیشتر اهمیت داشته باشند. بنابراین، نباید آن‌ها را نادیده بگیریم، چرا که ارزش‌اند و مبانی تربیتی محسوب می‌شوند. از آنجا که ریشه آموزش کنونی در گذشته نهفته است، باید آموزش را به روز کنیم. به طور کلی، امروزه برنامه آموزش مدرسه‌ای و نحوه تدریس بر چهار موضوع متمرکز شده است: ریاضیات، زبان، علوم و مطالعات اجتماعی. آنچه ضرورت دارد، اعمال اصلاحات اساسی در شیوه‌های آموزشی، برنامه آموزشی و اهداف کنونی‌مان است. صرف نظر از اینکه توانسته‌ایم تا چه حد از تکنولوژی در آموزش استفاده کنیم، نباید نسبت به این سه موضوع بی‌توجه باشیم، چرا که در جایگاه مربی، به آنچه واقعاً نیازمندیم، نمی‌رسیم.

کلیدواژه‌ها: تغییرات بنیادین آموزشی، تکنولوژی آموزشی، آموزش برای شدن، آموزش مبتنی بر دستاورد

یک هدف جدید: «شدن»^۱

متأسفانه، «یادگیری» که غالباً به‌عنوان هدف نهایی آموزش امروزی به آن نگاه می‌کنیم، هدف اصلی تعلیم و تربیت نیست یا نباید باشد. چرا که در یادگیری بین یادگیری احیای قلبی ریوی^۲ و یادگیری نحوه ساخت بمب، تا جایی که به آموزش مربوط است، تمایزی وجود ندارد. بنابراین، اگرچه یادگیری مهم است، اما هدف تعلیم و تربیت صرفاً یادگیری نیست. «شدن» هدف اصلی تعلیم و تربیت است؛ تبدیل شدن به افرادی کارآمد، توانا و کسانی که جهان را بهبود می‌بخشند. یادگیری فقط وسیله‌ای است برای پی بردن به اینکه دانش آموزانمان به چه کسانی تبدیل شده‌اند و این کاملاً با ارزیابی آموخته‌ها و نیاموخته‌های آن‌ها فرق دارد. اکنون برخی از آموزشگران در حال پذیرش این نوع تفکر هستند. اساس‌نامه

مدرسه‌ای در یکی از مناطق آموزشی آمریکا، این‌گونه آغاز می‌شود: «از آنجا که هدف تعلیم و تربیت فراتر از «یادگیری» یا «پایان دادن به تحصیل» است، باید در نظام آموزشی «شدن»، یعنی تبدیل شدن به فردی مفید و توانا که به طور مؤثر می‌اندیشد، استدلال می‌کند، دست به عمل می‌زند، می‌فهمد و کار خود را در زمینه‌ای که علاقه‌مند است به سرانجام می‌رساند هدف اصلی باشد.

چگونگی آموزش، دستاوردی جدید

در سال‌های اخیر، بر «چگونگی» آموزش توجه بیشتری شده که بخش اعظمی از این توجه به‌واسطه تکنولوژی امکان‌پذیر شده است. امروزه اولویت ذهنی اغلب مربیان، یادگیری معکوس^۳، یادگیری مشارکتی^۴ و یادگیری به روش حل مسئله^۵ است. اما آنچه ما نیاز داریم، در واقع یافتن راه‌های جدید

برای اعمال هر چه بهتر همان برنامه‌های قدیمی نیست، بلکه یافتن راه‌هایی است تا بتوانیم از طریق آن‌ها آموزش کودکان را از همان سال‌های ابتدایی به دنیای واقعی پیوند بزنیم. آموزش کنونی ما باید روال «صحبت کردن برای کودکان» و «یادگیری براساس حل مسئله» را پشت سر بگذارد و وارد دنیای واقعی رسیدن به دستاورد شود.

به این ترتیب، ما شاهد «آموزش مبتنی بر دستاورد» خواهیم بود. مثلاً در ارتباط با کلاس چهارمی‌ها شاهد طراحی و ساخت وسایل محلی خواهیم بود. گزارش‌های محیط زیستی را کلاس پنجمی‌ها آماده می‌کنند و بالاخره دانش‌آموزان دوره متوسطه شبکه‌ها، ربات‌ها و چیزهای دیگری می‌سازند تا دنیای خود و دوستان دانش‌آموز را به جایی بهتر برای زندگی تبدیل کنند. در مقایسه با پروژه‌های «خدماتی» خاص امروزی، به رویکرد واقع‌بینانه پروژه‌محور

تبدیل شدن به افرادی کارآمد، توانا و کسانی که جهان را بهبود می‌بخشند، هدف اصلی تعلیم و تربیت است

تفکر مؤثر، عملکرد مؤثر، ارتباط مؤثر و دستاورد مؤثر طبقه‌بندی کنیم. چه کسی نمی‌خواهد فرزندانمان در هر یک از این زمینه‌ها توانمند شوند؟

نیاز آموزش به چیزی بیش از تکنولوژی

امروزه جهان چشم خود را رو به این واقعیت گشوده است که تکنولوژی گرچه پایه و اساس آموزش در آینده محسوب می‌شود، ولی به تنهایی نمی‌تواند همه یا حتی بخش اعظمی از مشکلات آموزش ما را حل کند. ما باید مطمئن شویم هدف واقعی آموزشی‌مان این است که در کنار توجه به تکنولوژی، موارد زیر نیز مورد توجه قرار گیرند: کمک کردن به کودکان تا در حوزه علاقتشان به افرادی توانمند تبدیل شوند و بتوانند در بهبود خود، خانواده، جامعه و جهان مؤثر باشند، چگونگی ایجاد جهانی بهتر، آموزش مبتنی بر دستاورد و طراحی برنامه درسی جدید برای تربیت کودکانی کارآمد در زمینه مهارت‌های اصیل انسانی. این موارد نباید در تلاش ما به هنگام استفاده از تکنولوژی، به‌دست فراموشی سپرده شوند. در صورت غفلت از این موضوع، ساده‌لوحانه است بیندیشیم که در آموزش پیشرفت کرده‌ایم، زیرا بدون این‌ها تکنولوژی محبوبمان فقط نقابی خواهد بود برای پوشاندن شکست آموزشی در تأمین نیازهایمان.

* بی‌نوشته‌ها

1. becoming
2. CPR

سی. پی. آر یا احیاء قلبی - رویی شامل اقداماتی است که برای بازگرداندن اعمال حیاتی دو عضو مهم قلب و مغز انجام می‌شود و تلاش می‌شود تا گردش خون و تنفس به طور مصنوعی تا زمان برگشت جریان خون خودبخودی بیمار برقرار شود.

3. flipping
4. partnering
5. problem-based learning

* منبع

www.Marc Prensky.com

در برنامه‌های درسی موجود، آموزش مبتنی بر مهارت‌ها که پیرامون مهارت‌های قرن بیست و یکم و آموزش شخصیت قرار دارند، به‌کندی وارد برنامه درسی می‌شوند و غالباً به‌خاطر توجه خاص معلمان به آموزش ریاضیات و زبان و علوم و مطالعات اجتماعی و آزمون‌های مربوط به آن‌ها، از این مهارت‌ها غفلت می‌شود. با وجود این، پیشنهاد شما حذف کدام یک از موارد ذیل است؟

درک ارتباطات، تفکر کمی و الگویی، تفکر علمی و منطقی، نگاه تاریخی، حل انفرادی مسئله، حل گروهی مسئله، کنجکاو و طرح پرسش، تفکر خلاق، تفکر برنامه‌ای، تفکر یکپارچه، تفکر سیستمی، تفکر اقتصادی، بحث و تبادل نظر، قضاوت، انتقال، زیبایی‌شناسی، عادات ذهن، نگرش مثبت، شناخت احساسات خویش، نقاط ضعف و قوت، کنترل استرس، توجه، تعمیق و مراقبه، اخلاق کاری، شناخت عادات افراد کارآمد، بهینه‌سازی ذهن و جسم، چالاک، قابلیت انطباق، راهبری و پیروی، تصمیم‌گیری به‌هنگام تردید، ثبات و تزلزل، تجربه عملی، تحقق، خطرپذیری و احتیاط، بازخورد/آزمودن واقعیت، صبوری، کارآفرینی، ابداع، بدیهه‌سازی، قوه ابتکار، خط‌مشی و تاکتیک، رفع موانع، مدیریت پروژه، ماشین‌های برنامه‌نویسی، ساخت و تولید مفید، نوآوری با تکنولوژی‌های کنونی و آینده، برقراری ارتباط و همکاری فردی و گروهی در خانواده، اجتماعات، محل کار، اینترنت و فضای مجازی با دستگاه‌ها، گوش دادن، برقراری ارتباط شغلی، ایجاد رابطه، همدردی، شجاعت، شفقت، شکیبایی، اخلاقیات، سیاست، شهروندی، رفع تعارض، مذاکره، درس دادن، درس گرفتن، نظارت، به‌انجام رساندن پروژه‌های کوچک و محلی، پروژه‌های بزرگ‌تر، پروژه‌های گسترده و پروژه‌های جهانی.

در جای دیگر پیشنهاد کرده‌ام که این دسته از مهارت‌های ضروری را در زمره



باید توجه بیشتری شود تا به پایه و اساس آموزش فرزندانمان تبدیل شود. تکنولوژی بدون تردید در اینجا مفید است، اما به تنهایی فایده‌ای ندارد.

طراحی برنامه درسی جدید

بررسی مجدد «برنامه درسی بنیادی» که امروزه در جهان آموزش داده می‌شود، به‌خاطر آینده و عصر کنونی، از اهمیت خاصی برخوردار است. البته ریاضیات، هنرهای زبانی، علوم و مطالعات اجتماعی هم مهم هستند، اما در دنیای کنونی مهم‌ترین دانسته‌هایی نیستند که فرزندانمان برای موفقیت در جهان به آن‌ها نیاز دارند و حتی در موارد بسیاری موجب ورود فرزندانمان به دانشگاه هم نمی‌شوند.

امروزه، یعنی در عصر تکنولوژی، مهارت‌هایی که انسان نیازمند آن است، فهرستی است طولانی و مهم. در حالی که